جهت عجز خویش از تسلیم
چون رسد با سلام اندر ویش
مع اماش سلام باید کرد
اندرین جمع کرد امام و
شد متمم نماز قوم کسی
حکم این هر دو در کتاب جهت
کرد مسبوق را چنین اعلام
یافت است اول نماز آنچ
مانده است از امام از این باب
عود کرده بود ز بعد وضو
حکم مسبوق اولا با امام
لاحق را گذارد آنکه باز
اولا فایتهٔ که کرد تمام
بعد ازان خواب کرد و از زیر
رکعت او شد کند اتمام
نشود موجب از نماز
سهو سازد سجود سهو آرد
گو بیاد در پس امام الآن
سهو اگر کرده است لاحق ورد
از کتاب طحاوی سازد نقل
نکنند هم متابعت با امام

رفت مسبوق اگر بجا امام
یک شد مرد مدرک اش
لیک چیزی که کرده است تمام
نفی سازنده نماز نکرد

در بیان مسبوق و لاحق

جهت حق شارح اورد
مانده از اول نماز امام
لکن آنکه به سهو امام
در محل نماز برده خواب
یا که از خواب چشم باز زد
میکند آنچه فته است تمام
حکم لاحق گذارد آنکه پس
بود سازد متابعت با امام
کرد تا رکعت نماز ادا
کرد در ثنا رکعت امام
خفته مسبوق لاحق را آن
چونکه او حکم منفرد دارد
بی قراءت نماز بگذارد
سجده سهو هم نباید کرد
لاحق فایتهٔ اگر دارد
باز داد اول قفا خویش تمام

باز داد اول نماز خویش تمام
چون مقدم کرده است مرد
یعنی مسبوق چون نماز امام
گشت فاسد از آن که پس
کوی مسبوق گر لاحق گشت
از کتاب ذخیره باز دهم
معنی لاحق است آن انسان
آن نماز نکرده است تمام
یا شود سبقت حدث براو
خوانده باشد امام بعض نماز
حکم گشت فارغ امام چون ز نماز
فائتةً مع الامام خویش
با ماش بگفت تا تکبیر
گشت بیدار بعد از آن انجا
این تخلف ز لاحق است حوال
بر درست آنکه خواند قرآن
لیک لاحق بود اگر آن
چونکه او را ز مقتدی دارد
هم درین باب شارح عقال
چون امامش سجود سهو آرد
بعد ازین از برای سهو سجود

بیکنند

بیکنند چون امام کرده بود
کرد و مسبوق خفتند اگر
گشت پس از نماز این و یران
جهت مسبوق گشت بر او شک
گشت فارغ ز او وفی الحال
هم گمان برده است مفسد آن
گشت فاسد نماز او فی الحال
سجده سهو امام اگر دارد
نکند او متابعت بسلام
گشت اینجا نماز او ویران
چون فراموش کرد او سلام
خواند با خود که دید آن
سجده سهو غیر واجب دان
در خلاصه نوشته اند و شام
کور الکنون چگونه بگذارد
التحیات چون او اساز
می شنید کند نماز تمام
در یکی رکعتش اگر قرآن
به یکی رکعتش رسید اگر
چون تشهد تمام کرد اگر
نه شنید و لیک رای بار

هست اندر کتاب قاضیخان
اقتدا ساختی بیکدیگر
چونکه اصل اقتدا مسبوقین
از دو رکعت با امام و با یک
نیز مسبوق با هیا با امام
بعد تکبیر گفت آن انسان
ذاکر کرده است شارح او
نیز مسبوق امام اگر دارد
گر نبازد و تابع غیر
غیر جایز بود بنای آن
وقف گفته است آمده
سهو واجب شود با وقع
داده باشد سلام بعد امام
یافت مسبوق رکعتی با امام
رکعتی خواند شنید هم
زود با رکعت دیگر خاز
این دو رکعت که بر تو شد تعین
ترک کرده نماز او ویران
سوره با فاتحه بکرده ضم
باز خیزد و بر رکعت دیگر
جهت با رکعت ثلاثه اگر

نیز در چند نسخه است بیان
اینکه گر اقتدا با این زنان
غیر جایز بود علی التعیین
گفت تکبیر قصد استقبال
چون فراموش کرده او اسلام
گفت یعنی بقصد استقبال
میکند او زچند نسخه یاد
لیک گفتند ها الاعظام
اینجنان واندش که باید کرد
نیز مسبوق پس اگر با امام
هست فاسد بتواند کرد
گر برابر سلام داد آن
واجب سهو گفته اند عظام
آن دو رکعت که مسبوق دارد
التحیات خواند آن دم
خواند این رکعت که موانجام
میکند البته قراءت آن
کور در ظهر خفت و دیگر
رکعتی خواند شنید امام
فاتحه سوره خواندش آن
اندرین حالت فاتحه بهتر

متمم ۴

متابعت آرد ۴

دنیا ۴

Copyright © King Saud University